

سختگوی ستاد مردمی برگزاری مهمونی غدیر با بیان این‌که مهمونی کیلومتری در ۳۰۰ شهر برگزار می‌شود، گفت: در روز عیدغدیر ۲۶۰ کیلومتر مهمونی غدیر در کشور برپا می‌شود. ساسان زارع گفت: جشن کیلومتری غدیر سه‌شنبه پنجم تیرماه از ساعت ۱۷ تا ۲۳ در محور بزرگراه امام علی تا میدان آزادی برگزار می‌شود. امسال تعداد موکب‌ها ۳۰ درصد افزایش یافته است. در مجموع ۲۲۰۰ موکب امسال برپا می‌شود و

مهمونی غدیر

در ۳۶۰ کیلومتر از کشور برپا می‌شود

روایتی تر و تازه از جشن ولایت مولا علی^(ع) در خانه محمدرضا طالقانی، پیشکسوت کشتی

مرام مولا از پا چنار تا پاسداران



اسمیه جمالی اوسونده

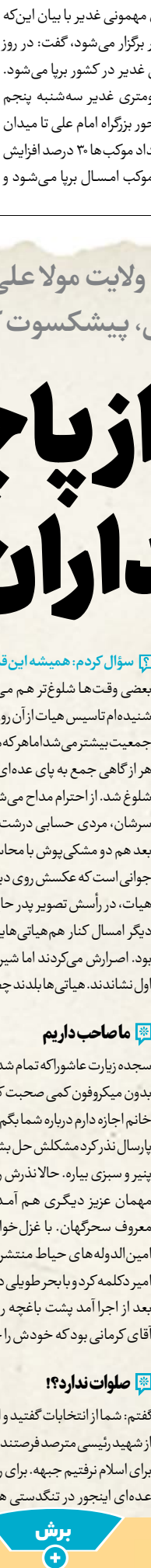
فدراسیون کشتی ... جواب داد: مستقیم. صدای بلندگوها راهنمایی‌ام کردند به سمت تک خانه حیاط‌داری با پرچم‌های رنگی رنگی. به اصرار آقایانی که پشت میز شربت آب‌لبالو ایستاده بودند لیوانی برداشتم. جلوی در خورویی هم میری باگل‌های سرخ بود.

سینی گل سرخ

به حاج آقا خبر دادند که من آمده‌ام. دو طرف حیاط صندلی چیده بودند. خودشان یک گوشه، کنار هم‌هئان روی چهارپایه نشسته بودند. تا مرا دیدند از جا بلند شدند و صندلی‌ام را نشان دادند. چندبار از دوستان خواستند از من پذیرایی کنند. گفتم لابد چون غریبه‌ام هوایم را دارند. کمی بعد رفتند پشت حیاط و جعبه شیرینی‌ها را آوردند که جوانی از دست‌شان گرفت. در همان حال اشاره می‌کردند به کسی تا نظم جلسه را با سلام واحوالپرسی طولانی بهم‌زنند و دیگر این‌که سرپا نماند. خانم‌ها توی اتاق بودند ولی من پشت گلدان‌های حیاط دیده‌بانی می‌کردم برای گزارش. زیرپایم فرش‌ی پهن بود با سجاده‌ای و کنارش یک قوطی پر از مُهر. اول مراسم با زیارت عاشورا شروع شده بود و مداح میان کار مناقب امیرالمومنین رامی‌خواند. آقای‌توی سینی، بین مردم گل‌سرخ می‌گراند. برای من هم آورد. عصر آخرین روز بهار، فرو بروی وسط دار و درخت و ذکر مولا بشنوی و مستی...

پدر جوان از دست داده

خانمی را آن اطراف دیدم و پیچ‌پچ‌کنان ازش پرسیدم: قوم و خویش هستنید؟ گفت: از اقوام آقا تختی هستیم. چند سال است که با همسر و پسر می‌آیم.



سؤال کردم: همیشه این قدر شلوغ است؟

بعضی وقت‌ها شلوغ‌تر هم می‌شود مثل ماه محرم و ۱۳ رجب. چون شنیده‌ام تااسیس هیات از آن روز بوده. جمعیت‌بیشتر می‌شد اما هر که می‌آمد، کسی بلند می‌شد و به اوجامی داد. هر از گاهی جمع به پای عده‌ای بلند می‌شدند. یکبار صف جلو حسایی شلوغ شد. از احترام مداح می‌شد حدس زد آقایان پیرغلام باشند. پشت سرشان، مردی حسایی درشت پیکر، با پیراهن هاوایی و سیبل پیر آمد، بعد هم دو مشک‌ی پوش با محاسن نتراشیده. مداح گفت که مرد، پدر آن جوانی است که عکسش روی دیوار زده شده. زیر عکس‌های درگذشتگان هیات، در آن‌سش تصویر پدر حاج آقا پسر در عروسی جوانم‌رگ شده بود. دیگر امسال کنار هم‌هیاتی‌هایش سینه نمی‌زد. پیرمرد جلوی چشمم بود. اصرارش می‌کردند اما شیرینی نمی‌خورد. احترامش کردند و ردیف اول نشان‌دند. هیاتی‌ها بلندند چطور با پدر جوان از دست داده رفتار کنند.

ما صاحب داریم

سجده زیارت عاشورا که تمام شد مداح سرود خواند و بعد حاج آقا طالقانی بدون میکروفون کمی صحبت کرد. بعد سر برگرداند سمت زنانه و پرسید: خانم اجازه دارم درباره شما بگم؟ -امروز خانمی با پایبند زندان اینجاست. پارسال نذر کرد مشک‌ش حل بشه و بیاد بیرون، برای خانم رقیه (س) نون، پنیر و سبزی بیاره. حالا نذرش رو آورده تا همه ببینند ما صاحب داریم... مهمان عزیز دیگری هم آمد: جناب قاسم رفعتی خواننده نوای معروف سحرگهان. با غزل خوانی این مرد خوش صدا دم غروب عطر امین‌الدوله‌های حیاط منتشر شد. کسی‌که اشعاری در وصف حضرت امیر دکلمه کرد و با بحر طولی در ستایش پیامبر (ص) ملت را کیفور کرد؛ بعد از اجرا آمد پشت باغچه روی تاب خانگی نشست. مرد لاغر اندام آقای کرمانی بود که خودش را حسین دولابی معرفی کرد.

صلوات ندارد؟!

گفتم: شما از انتخابات گفتید و این‌که مردم حواسشان باشد عده‌ای بعد از شهید رئیسی مترصد فرصتند. جواب داد: بله. من رزمنده بودم. مافقط برای اسلام نرفتم، چپه. برای رفاه مردم هم رفتم. حالا دل‌مان می‌سوزد عده‌ای اینجور در تنگدستی هستند. این‌همه برنامه فقط دو ساعت و

پرش

اسم ائمه که میاد؛ کار درست می‌شه

کار می‌کنه. به فقرا هم کمک می‌کنه کاره‌ای می‌ندازه. من الان سی تا نامه تو جیبمه که امروز گرفتم. همش میان سراغ ما.

گلریزبون هم می‌کنید اینجا؟ اینجا نه. اینجا فقط مال امام حسین‌ه ولی واسطه می‌شه جای دیگه.

خیلی با صفا بوده مراستون. همه راحت بودند...

چون اینجا صاحبش کس دیگه‌اس. وابستگی به هیچ کسی نداره. خدا هم محبت می‌کنه. اسم ائمه که میاد، کار درست می‌شه.

با خنده می‌پرسیم: می‌کن هیاتی هاد یوونه‌اند.

کاش فقط دیوونه باشیم. تا این موقع شب زن و بچه مون اسیرن، خودم از صبح ساعت ۶ تا الان سرپا هستم. دیوونگی مال لحظه اوله.

چی داره این امام حسین که...

این عشقه...

۶۰۰ موکب هم در انتظار هستند. در روز عید غدیر ۳۶۰ کیلومتر مهمونی غدیر در کشور برپا می‌شود. امسال ۱۵ هزار دیگ غذای نذری با گذاشته می‌شود. نمایندگان جبهه مقاومت از کشورهای لبنان، یمن، افغانستان و عراق هم در تهران موکب برپا می‌کنند. در پنج کشور برزیل، هند، پاکستان، لبنان و افغانستان هم مهمونی کیلومتری برگزار خواهد شد. چهار سکوی اصلی در تهران میدان‌های امام حسین، فردوسی،



انقلاب و آزادی برپا می‌شود. در ۲۶ نقطه نورافشانی داریم. صد تیم پروازی هم با پرنده‌های سبک اجرای برنامه خواهند داشت. پرواز با دکنک‌ها را هم خواهیم داشت که آسمان شهر را جذاب می‌کنند. دغدغه ما حضور هرچه بیشتر مردم و گروه‌های مردمی در این جشن است. این جشن برای مردم است و فقط برای جشن تهران ۶۰۰ هزار نفر تا کنون کمک مالی داشته‌اند.



نیم بود. لازم نبود میکروفون را به زور از کسی بگیرند. خلق... نه مشتاق می‌مانند نه کسل. بدون مولودی خوانی که نمی‌شد. سرود و صلوات، دست‌افشانی و گل و شکلات پاشی. من آنجا روزنامه‌چی نبودم، قاطی‌شان شده بودم.

نوبت حاج سعید تکلو بود. از ولایت و نبوت سخن گفت و اوصاف علی بن ابیطالب (ع). این‌که خدا برای تشخیص جانب حق، شخص مشخص کرده نه شاخصه. سمت درست تاریخ آنجاست که علی ایستاده. مرد لباس هاوایی مدام می‌زد به شانه رفیق رسمی پوشش که یعنی: کیف‌کردی؟!

سخنران که گفت: «الحق مع علی و علی مع الحق» صدایی بلند شد: صلوات‌ثیره؟ (صلوات ندارد؟) باز هم خودش بود. مردم را سر ذوق آورد؛ روی صلوات، کف هم زدند تا عیش‌شان تکمیل شود.

برچم در اهتزاز

موذن پشت بلندگو رفت. جایی که من بودم محل نماز جماعت بود. به اتفاق حاج آقا رهنمای‌ام کردند، چند پله پایین‌تر از حیاط یک پاگرد

در باز می‌شود و دخترکی بی‌تابی می‌کند: بابااا. حاجی بلندتر می‌گوید: جالان! آن یکی نوه هم از لای در سرگ می‌کشد... «بیا سوگند جان تو هم بیا بعلوم...» آقای‌ی هم با ایشان کار دارم. می‌گویم من زیاد مراحم‌تان نشوم، مهمان دارید. می‌گوید: «اصلا اینطور نیست این همش عشقه.» چشم‌ها افتاده، صورت خیس از عرق و کام خشک، بار هرکه هرچه می‌خواهند نه نمی‌گویند. **چی می‌شه که هرچی گناه می‌کنیم باز رو داریم که بی‌پای‌نای این برچم؟** محبت خود مولا ست. اینجا قاتل اومده، دزد اومده. بعضیا میان زن و مرد، تو کوجه می‌شینن تو ماشین. اینجا هرکی بیاد آورده و در امان. خود آقا خواسته همه بیان. **امروز از کعبه و مکه هم یاد شد. شما لیک مراسم حج رو گفتین و مردم تکرار کردن. هیئت و کعبه هر دو حرمین. شما درست می‌گین باید همه اینجا احساس امنیت کنند.** اصلا غیر از این نیست. اصلش همینه. زیر این پرچم باید بمونن و در امان باشن. پدرها بی‌پسر شدن، جوونا شهید شدن که این پرچم بمونه برای همه.

نماهنگ

تجلیل از جای ریزان هیأت

در افتتاحیه رویداد «مقام مجنون» از ۱۴ تن از

چای‌ریزان هیأت‌های مذهبی تجلیل شد. کسانی

همچون: ۱- حاج جواد هدایتیان از هیأت منف

اتاققاسان ۲- حاج حسین داودی از هیأت بیت‌الحسن

۳- حاج قربانعلی پیروز از هیأت امام سجاد

۴- حاج‌رضا بازوبندی از جامعه مداح غرب تهران

۵- حاج‌اصغر مداح‌فر از هیأت انصارالعباس دولاب

۶- حاج‌علی علی‌زاده از هیأت اردبیلی‌ها

۷- حاج‌هوشنگ آریز از هیأت حضرت اب‌الفضل

۸- محسن سبزی‌کار از هیأت دارالایتام ۹- سیدامیر

صفوی از هیأت محبان‌العباس ۱۰- حاج سیدمجتبی کلهر

از هیأت جوانان ثامن‌الانمه ۱۱- حاج‌حسن جهانبخش

از هیأت طفلان مسلم ۱۱- حاج حسین صیباغ‌زاده از

هیأت دو طفلان مسلم ۱۲- حاج‌علی عباس‌زاده از هیأت

مکتب علی ۱۳- حاج‌حسین سواج از هیأت مهدویون

۱۴- سیداصغر عصار از هیأت محبان‌العباس.

جامعه

هیأت

HE Y A T

دوشنبه ۴ تیر ۱۴۰۳ ۴۷۹۶ شماره

پی‌یرغلام

نازلی مروت آروزنامه‌نگار

تجربه زیسته یک خبرنگار با شهید آیت‌ا... آل‌هاشم؛

روح شاد آقای با‌اخلاق!



بعضی آدم‌ها، خود به مثابه رسانه هستند. گفتار و رفتار آنها مانند کتاب هزار صفحه ناخوانده است که هر ورقش حکمتی در خود نهفته دارد. شاید کارهایی که از آنان سر می‌زند، کوچک به نظر برسد نه فیزیک کوانتوم گفته‌اند و از پیوند

اعضای انسان می‌دانند، اما خوراک روح و جان آدمی را به خوبی عرضه می‌کنند. آدم‌های خوب و کاربلد روزگار ماکم نیستند، باید چشم‌هایمان را بگشاییم تا آنها را بهتر ببینیم. حاج آقای آل‌هاشم از همان آدم‌های ناب روزگار بود. من او را هرگز ندیدم. اما وصف او را خوانده بودم. از همان روزهای اولی که در قامت امام جمعه تبریز شناخته شده بود در وصف او شنیدم که به نیکی یاد می‌شد. رفتار و کردار آقا سید، آیت‌ا... عبادی؛ امام جمعه فقید مشهد را به خاطر می‌آورد، خاکی، مردمی، دغدغه‌مند و بی‌تکلف. این ویژگی‌ها را می‌شد از فیلم‌ها و تصاویری که مردم تبریز و دوستان ساکن آن دیار منتشر می‌کردند، درک کرد. مثل ایستادنش در صف نانوائی کنار مردم یا سزدن و تشکر از آقابلی که یک بقالی کوچک داشت و کسب و کار حلال او در فضای مجازی پربازدید شده بود. اما اینها همه ماجرای آقای آل‌هاشم نبود.

آقای احمدی، همکار ما در قم بود و خبرهای آنجا را برای روزنامه مخابره می‌کرد. روزی که تصمیم گرفت به زادگاهش مهاجرت کند، گفت باز هم با روزنامه همکار می‌کنم اما از آنجا جان شرقی. آقای احمدی از خبرنگارگانی بود که متوجه خُسن رفتاری آیت‌ا... آل‌هاشم بود. او از تماس تلفنی آیت‌ا... در روز تولدش گفت و تبریک آقای امام جمعه به خبرنگار جوان روزنامه، متعجب شدم از این همه مردم‌داری آقای امام جمعه. این داستان‌های دلچسب در ذهنم بود تا این‌که در ایام تولد امام رضا (ع) بنا شد با چند نفر از علما مصاحبه کنم. یکی از آن افراد آیت‌ا... سیدمحمدعلی آل‌هاشم بود. گفت: پرسش‌ها را یکم کنید، فرستادم و چند مرتبه تماس گرفتم تا وقت گفت‌وگوی تلفنی را هماهنگ کنیم. اما پاسخگو نبود. با توجه به وصفی که از آیت‌ا... شنیده بودم، انتظار نداشتم بدقولی کند. توی ذوقم خورده بود. دیوار باورهایم درباره امام جمعه مردمی فرو ریخت. کمی هم از او عصبانی شدم. باینیه بلندبالایی نوشتم با این مضمون که «الکرمی اذا وعد الوفی، شما باور من راست‌ب به حضور عالم دینی مردم‌دار تخریب کردید. من انتظار داشتم به قولی که داده‌اید عمل کنید. شما خلف وعده کردید و بر عهد خود نماندید و...».



دو روز از ارسال پیامک من گذشت، گوشی همراه من زنگ خورد و صدای مهربان پیرمردی ترک زبان به گوشم رسید. خودش را معرفی کرد. زبان به سخن گشود؛ پیام شما را دریافت کردم. ممنونم که به من نهمپ زدید و یادآور شدید که بر قول و عهد خود بمانم. عذرخواهی کرد که نتوانسته پاسخگوی تماس من باشد. گفت: مسأله مهمی در مورد نماز جمعه تبریز بود. آن قدر مشغله داشتم که به تلفن سر ن‌زدم و بنیای این مصاحبه را فراموش کردم... هزاران کیلومتر آن طرف‌تر از شهر من می‌زیست و هرگز او را ملاقات نکرده بودم، می‌توانست مسئول دفترش زنگ بزند و ما چرا را شرح دهد، شاید به رسم برخی از آقایان تشری هم بزند که چرا... اما آقای آل‌هاشم، مردمی بود. آقابلی کرد و تلاش کرد این ناراحتی را از دل خبرنگاری که در شرقی‌ترین نقطه مملکت زندگی می‌کند، در بیاورد. روح شاد آقای با‌اخلاق!

بانوان

تاسیس شورای مداحان و هیأت‌های بانوان



تاریخی این بخش مهم جامعه، بر آن شدم، شورای مداحان و هیأت‌های بانوان کشور را تأسیس کنیم.

فهمیه شریفی با بیان این‌که حضور نقش بانوان در فعالیت‌های فرهنگی و تربیت نسل‌ها بی‌بدیل است، اظهار کرد: شهید آیت‌ا... مرتضی مطهری هم پیروزی نهضت اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ را وابسته به حضور زنان دانسته‌اند. نوع تفکر امامین انقلاب نسبت به الگوی زن مسلمان، امکان نقش‌آفرینی بیشتر زنان در فضای اجتماعی با حفظ همه شئونات اسلامی و رسالت‌های مادرانه و زنانه‌شان را فراهم کرده است. الگوی سوم زن مسلمان که نگاهی بسیار م‌رتقی به نقش زنان در اجتماع دارد، فرصت طلایی را به‌وجود آورده که در آن نقش تمدن‌سازی زنان برگرفته از آموزه‌های دینی ظهور یابد.



وفاق است بیابید و ببینید

آن می‌که زلال و علوی و رضوی بود/ کرده همه را مست بیابید و ببینید

بر قوم کمر بسته در این راه، نباشد/ نومیدی و بن بست بیابید و ببینید

آن سید آزاده که در بند و لای بود/ آخر ز بلا رست بیابید و ببینید

ای مدعیان هنر، ای موج‌سواران/ اوج هنر این است بیابید و ببینید

از دوری آن قلب بر احساس و تپنده/ قلب همه بشکست بیابید و ببینید

گویند سواران همه ایستاده بمیزند/ برخاست و نشست بیابید و ببینید

صد بار به طعنه دل او را بشکستید/ ای طایفه بست، بیابید و ببینید

با سوز رضا آمد و روز روضا رفت/ رو سوی حرم جست بیابید و ببینید

یک عمر روان بود به دنبال شهیدان/ بر قافله پیوست بیابید و ببینید

ایران شده یک دست بیابید و ببینید/ این اوج

ایران شده یک دست بیابید و ببینید/ این اوج